

عنوان مقاله: شاخصه های هویت عربی در نظام فکری هشام کلبی
بر پایه ی انساب نگاشته های وی
(جمهرۃ النسب و نسب معد و یمن الکبیر)

نویسنده: زینب امیدیان

منبع: مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه ی انجمن ایرانی تاریخ
سال نهم، شماره ی سیوسوم، پاییز، ۱۳۹۶، صص ۱-۲۶

چکیده:

• دانش نسب شناسی از شاخه های علم تاریخ و شعبه ای از تاریخ نگاری جاهلی است که در دوره اسلامی نیز رشد سریع یافته است. در این میان، هشام کلبی (د ۲۰۴ هجری. قمری) به عنوان نخستین مولف و تدوینگر انساب سهم بسزایی در شکل گیری و شکوفایی این علم دارد که دو متن مهم یعنی جمهره النسب و نسب المعد و الیمن الکبیر از او در این زمینه بر جای مانده است که ویژگی بارز آن ها پرداختن به نسب تمام قبایل عرب است با وجود این هنوز این انساب نگاشته های او چنان که بایسته است مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. از این رو، مسئله مقاله حاضر مطالعه و تحلیل انساب نوشته های این کلبی است تا از طریق آن دریابد چرا در دوره نخست عباسی وی با فرا رفتن از نسب نگاری چند قبیله ی محدود به عنوان سنت غالب به تولید متون پیش گفته دست یازید.

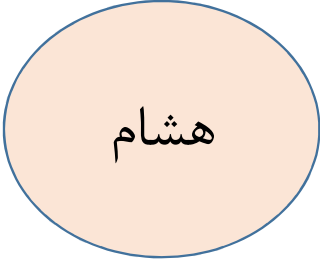
شعبه ای از تاریخ نگاری جاهلی

- رویکرد اتخاذ شده در این تحلیل رویکرد معناکاوی است که در آن گفت و گوی میان متن انساب نوشته ها با نویسنده (هشام کلبی) و بافت اندیشه ای و فرهنگی زمانه ی متن بررسی و تبیین می شوند. نتایج این واکاوی نشان می دهد این کلی متاثر از ضرورت احساس نیاز قومیت عرب به هویت سازی دست به تولید انساب نوشته های مذکور زد. او ضمن بازنمایی انساب قوم عرب، با به کار گیری عناصری چون گذشته مشترک تاریخی، پیوندهای مشترک اعتقادی و برگزیده شدن پیامبری از دل قوم عرب و همچنین سرزمین مشترک یک هویت عربی - اسلامی غرورآفرین برای قوم عرب در متون خود پدید آورد.

واژه های کلیدی:

- هشام کلبی، تحلیل معنا، انساب نگاشته ها، هویت

- هشام کلبی (د. ۲۰۴ق) یکی از شاخص ترین مورخان مکتب عراق است که هم در مراحل شکلگیری تاریخنگاری و هم تکامل شیوه های آن نقش برجسته های داشته است. او توانست با عرضهی آثاری درخشان و مهم در زمینه های انساب، تاریخ اجتماعی فرهنگی عرب، تاریخ جاهلیت، تاریخ اسلام، وفود، فتوح، مقاتل، تاریخ شهرها، تاریخ ایران و یمن گامهای بلندی در تاریخنگاری اسلامی بردارد. در این میان از مهمترین ویژگیهای تاریخنگاری وی نسب نگاری است



هشام

- او اصول و قواعد نسب نگاری را تنظیم کرد، و نوشته های او تبدیل به منابع اصلی مؤلفان بعدی شد. همه ی نسب نگاران و پژوهندگان بعدی نسب از اصول او تأثیر پذیرفتند. از سوی دیگر، نگاهی گذرا به تاریخ نگارش انساب نشان می دهد که مطالعات انساب در قرن اول و ابتدای قرن دوم تنها محدود به یک یا چند قبیله بود. حال آن که پرداختن کلی به تبار تمام قبایل عربی مایه شگفتی است

مطالعات انساب در قرن اول و ابتدای قرن دوم تنها محدود به یک یا چند قبیله بود.

- بر این اساس، در این نوشته سعی میشود تا با بررسی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های محوری نسب‌نگاشته‌های کلبی، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که چرا کلبی دست به نوشتن نسب‌نگاشته‌ها زد؟ مهمترین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های انس‌بن‌گاشته‌های وی چه بوده است؟ در میان شیوه‌های مختلف موجود برای شناخت ویژگی‌های تاریخن‌گاری یک اثر و فهمِ چگونگی و چرایی تولید آن، مقاله حاضر از رویکرد معناکاوی استفاده میکند.

- بر پایه ی این رویکرد، هیچ متنی در خلأ تولید نمی شود. هر متنی در شرایط زمانی و مکانی خاصی پدید میآید که به آن بافت گفته میشود. بدین خاطر فهم رابطه میان متن با نویسنده و بافت دربرگیرنده آن میتواند به فهم بهتر شیوه ی تاریخ نگاری یک متن تاریخی کمک کند. از این رو رویکرد این نوشتار یافتن نحوه گفت و شنود این عناصر در بازنمایی روایت انساب ابن کلبی است. این یافته در عین حال معنا و هدف تولید متن را در نسبت میان حیث التفاتی مؤلف و زیست جهان سیاسی اندیشه ای وی آشکار میکند

هیچ متنی در خلأ تولید نمی شود.

- بر این اساس، نقطه عزیمت پژوهش حاضر تحلیل متن است. از طرف دیگر، چون هر متنی در شرایط زمانی و مکانی خاصی به نگارش درمیآید، در بافت متن با تأثیر فرهنگ، تاریخ و نیز اجتماعِ معاصر تولیدکننده متن روبه رو میشویم که در پيشدانسته ها و پيش تجربه های نویسنده متجلی می شود. به عبارت دیگر، هر کس در جامعه یا فرهنگی خاص پرورش یافته است که این پرورش یافتگی خاص در فهم او بر متن زبانی، هنری، ادبی و یا هر نوع متن دیگر تأثیر می گذارد.

تحلیل متن

تأثیر فرهنگ، تاریخ و نیز
اجتماعِ معاصر تولیدکننده متن

- تولیدکننده معنا (نویسنده)، با تأثیرپذیری از بافت و شرایط سیاسی فرهنگی زمانه اش، نحوه تربیت، و در نتیجه پیش فهم های ذهنی اش از میان متون گوناگونی که وجود دارد تنها با متون خاصی ارتباط برقرار می کند و به تولید روایت یا متن می پردازد.

بافت و شرایط سیاسی فرهنگی زمانه اش



- با توجه به مقدمات بالا، در این مطالعه تلاش میکنیم، پس از تحلیل عناصر درون زبانی متن، گفت و شنود آن را با تأثیرات شخص نویسنده و بافت کلان فرهنگی اجتماعی ای که به آن متن چارچوب داده است بررسی و فهم نماییم.
هرچند عناصر بافت و سازنده معنا، فرا زبانی و همچون کلافی درهم پیچیده هستند، اما مقوله بندی آنها برای فراهم کردن امکان تحلیل ضروری است. در این بررسی، با اتکا به این مبانی نظری، شیوه ی بازنمایی ابن کلبی از انساب عرب را، به عنوان نخستین انساب نگاشته های عمومی عرب، مورد تحلیل قرار میدهیم

- تحقیقاتی که به صورت مستقل درباره ابن کلبی انجام شده محدود و انگشت شمار است. گرچه مصححان و مترجمان آثار تاریخی و نسب نگاری چندین مقدمه‌ی عالمانه درباره ابن کلبی به رشته تحریر درآورده‌اند، اما همگی این آثار بر پایه رویکرد سنتی نقد متون، تنها به توصیفات کلی درباره‌ی زندگی، فهرست آثار کلبی، ابعاد صوری و سبک نگارش آنها پرداخته‌اند.

•

رویکرد سنتی نقد متون

- به زندگی و عمل تاریخ‌نویسی هشام کلبی عمدتاً در لابلای تحقیقات راجع به تاریخ شکل‌گیری تاریخ‌نگاری مسلمانان اشاراتی محدود شده است. تنها پژوهشی که به تاریخ‌نگاری وی از زاویه‌های جدید نگریده مقاله‌ی «امحای بت پرستی و بازآفرینی غرور قومی عرب بر پایه‌ی کتاب الاصنام» است که نویسندگان شیوه‌ی تدوین ابن کلبی از تاریخ بت و بتپرستی عرب پیش از اسلام را در کتاب الاصنام بررسی می‌کنند. پس میتوان گفت هیچ پژوهشی به انساب نگاشته‌های کلبی از منظر معناکاوی ننگریسته و آنها را مورد تحلیل قرار نداده است.

معناکاوی

- همان گونه که دیده میشود، به رغم اهمیت آثار وی، پژوهش مستقلی در باب تاریخنگاری او صورت نگرفته است. از این رو این مقاله به بررسی و تحلیل انسب‌نوشته‌های برجایمانده از وی یعنی جمهره النسب و نسب معد و الیمن الکبیر اختصاص مییابد. در این بررسی، با اتکا به رویکرد پژوهش، سعی میشود که شیوه بازنمایی ابن کلبی از انسب عرب را تبیین کنیم.

بازنمایی ابن کلبی از انسب عرب

- همان گونه که پیشتر ذکر شد، فهم تاریخنگاری متن انسابنوشته‌ها از طریق نحوه گفتوشنود نویسند و بافت کلان و تحلیل عناصر درون زبانی متن امکانپذیر است. از این رو، پس از بررسی روش حاکم بر انساب نگاشته ها و نحوه چینش و سازماندهی آنها، به بیان بافت فکری و فرهنگی زمانه ی ابن کلبی میپردازیم تا مسئله و دغدغهی مؤلف شناسایی شود و در ادامه شاخصه های هویت عربی را در متون یادشده کشف میکنیم. به سخن دیگر، تلاش میشود تا هدف از تولید متون را فهم کنیم

•

تحلیل عناصر درون زبانی متن

روش کلبی در انساب نگاشته ها

جمهرۃ النسب و نسب معد و الیمن الکبیر قدیمی ترین انساب نگاشته های عرب به شمار میروند، که مرجع اصلی مورد استفاده مورخان و انساب نگاران پس از خود قرار میگیرند. این متون توسط نسب شناس شیعی مذهب به نام ابو منذر هشام بن محمد بن سائب بن بشر کلبی، معروف به ابن کلبی (۲۰۴-۱۲۰ق). به رشته تحریر درآمده اند. مؤلف در این متون از روش مبسوط برای ذکر انساب عرب استفاده کرده و کل را بر جزء مقدم داشته است.

ابن کلبی

- طرح کلان ابن کلبی در تدوین انساب عمومی عرب اعم از شمالی (عدنانی) و جنوبی (قحطانی) باعث گردید که وی از منابع متعددی بهره گیرد. قرآن، شعر، اطلاعات نسب دانان نخستین، مصاحبه و گفتگو با علما و مشایخ قبایل، منابع مکتوب و نیز کتیبه ها، اسناد و به ویژه نوشته هایی که بر روی سنگ مقبره های قدیمی نگاشته شده اند از منابع مورد استفاده هشام است. پس می توان گفت مؤلف با استفاده از منابع مختلف توانسته است اطلاعات ذی قیمتی درباره نسب قبایل به دست دهد و بی دلیل نیست که کتابهای وی قرنهای مرجع و مأخذ دیگر نسبشناسان قرار گرفته است.

- مؤلف در کتاب جمهره قرن‌ها مرجع و مأخذ دیگر نسب‌شناسان قرار گرفته است. مؤلف در کتاب جمهره النسب از نسب قریش و از آن میان از نسب پیامبر (ص) آغاز میکند، پس از آن به سراغ قبایل دیگر میرود و به این ترتیب یکایک شعوب عرب را بیان می‌کند. در کتاب نسب معد و الیمن الکبیر نیز به همین روش عمل میکند، به طوری که برخی به دلیل همین تشابه بسیار زیاد آن با اسلوب و روش جمهره النسب این کتاب را قسمت مفقود جمهره النسب دانسته‌اند.

کتاب جمهره

بافت فکری معاصر ابن کلبی

- برای فهم تاریخنگاری هشام کلبی باید اوضاع فرهنگی زمانه وی را مورد بحث قرار داد. هشام کلبی پرورش یافته دو شهر معروف بین النهرین یعنی کوفه و بغداد بود. در سده نخستین اسلامی، شهر کوفه به دلیل سکونت قبایل، اقلیتها و قومیت‌های گوناگون، دارای ساختار اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای بود. نخستین پایه گذاران علوم اسلامی چون تفسیر، حدیث، فقه و ادبیات اکثراً از کوفه برخاسته بودند. در این شهر کنیسه‌ها و کلیساهای پراکنده‌ای وجود داشت که در زمینه‌های دینی و اجتماعی فعالیت داشتند.



- اما با انقلاب عباسیان و تأسیس بغداد در آستانه قرن دوم هجری، کوفه همچون بصره اهمیت پیشین خود را از دست داد و هشام کلبی به بغداد سفر کرد، زیرا این شهر، به سبب حمایت خلفای عباسی از عالمان، به محل اجتماع و گردهم آیی فضایی عجم، یهودی، یونانی و دانشمندان کشورهای دوردست دیگر تبدیل شده بود.

تأسیس بغداد در آستانه قرن
دوم هجری

• اهل هر مذهب و ملتی در بغداد گرد هم آمدند و این شهر را مرکز علوم و فنون دنیا نمودند. شاید به همین دلیل باشد که شافعی به شاگردش یونس بن عبد الاعلی که بغداد را ندیده بود میگوید: «**بنابر این تو نه جهان را دیده ای و نه مردم جهان را**» یکی از مسائل مهمی که عباسیان در پایتخت جدید خود با آن روبهرو شدند کشاکش فرهنگی عرب و عجم و رویارویی قومیت عرب در برابر نژادها و ملل دیگر به ویژه ایرانیان بود که برای بازگرداندن هویت قومی خود در برابر عربها قد علم کرده بودند.

•

رویارویی قومیت عرب در برابر نژادها و ملل دیگر

- این امر دلایل مختلفی داشت و یکی از مهمترین آنها سیاست عربی سازی و قبیله گرایی خلافت پیشین (اموی) بود. برای نمونه، نهضت شعوبیه، که یک جنبش ادبی بود، با هدف بازسازی هویت ایرانی و اثبات برتری این نژاد بر قومیت عرب به ترجمه ی تاریخ ایران باستان به زبان عربی و سرودن اشعاری به این زبان با مضامین تفاخر به نیاکان باستانیانشان دست زدند.

سیاست عربی سازی و قبیله گرایی

تفاخر به نیاکان باستانیانشان

- در این فضا، بازتعریف و برجسته‌سازی هویت عربی امری ضروری به نظر می‌رسید. به سخن دیگر، جستجوی هویت‌های اصیل عربی در این دوره نیازمند مؤلفه‌سازی‌هایی بود که بتواند «تداوم هویت عربی» و تمایز آن با دیگر اقوام و فرهنگ‌های جامعه را تعریف کند.

•

- از آنجا که هر چالشی با پاسخ نخبگان اندیشمند همراه است، هشام کلبی از نخبگان عربی بود که گامهای مؤثری برای رسیدن به این هدف برداشت. عربهای شبهجزیره قبل از بعثت پیامبر (ص)، به دلیل زندگی قبیله ای و عشیره‌ای، تاریخ و تمدن برجسته‌ای چون ایران باستان نداشتند تا چون شعوبیه با نگارش و ترجمه این تاریخ بدان افتخار کنند. بنابراین، ابن کلبی برای رفع و جبران این کمبود، از عامل «نسب» در امر هویتسازی بهره برد.

- عرب در این زمینه سابقه طولانی داشت و یکی از افتخارات خود را همین آگاهی به نسب و انساب خود میدانست و او ریشه‌ی تاریخی اعراب را به قرن‌ها پیش از اسلام میرساند. انساب نگاشته‌های ابن کلبی در این فضای فکری فرهنگی تولید شد تا علاوه بر تدوین بخشی از تاریخ دوران باستان عرب، با به کارگیری مؤلفه‌های که در ذیل خواهد آمد، برتری این قوم را در برابر دیگر نژادهای بشری اثبات کند. بنابراین در ادامه بر آنیم تا با بررسی این مؤلفه‌ها، بازتاب این فضا را در دو نوشته‌ی او یعنی **جمهرۃ النسب** و **نسب معد و الیمن الکبیر** تبیین کنیم

یکی از افتخارات خود را همین آگاهی به
نسب و انساب خود می‌دانست

هویت عربی، مؤلفه ی محوری انساب نگاشته های هشام کلبی

- در نظام اندیشه ورزی هشام کلبی، بر اساس محتوای انساب نگاشته های او، عناصری چون موضوع بازنمایی نسب قوم عرب، سرزمین مشخص، ظهور حضرت محمد (ص) از میان قوم عرب، گذشته ی مشترک تاریخی، از جمله عوامل مؤثر در انسجام و تداوم هویت قوم عرب است. اینک به شرح هریک از عناصر یادشده میپردازیم.

انسجام و تداوم هویت قوم عرب

الف) بازنمایی نسب قوم عرب

- از میان عناصری که هشام کلبی به میزان وسیع در امر هویت سازی برای قوم عرب استفاده کرده است، به نظر میرسد مهمترین شاخصه و ابزار، عنصر نسب بوده که به تولید دو کتاب و انبوهی از روایات دیگر در این زمینه توسط او منتهی شده است

مهمترین شاخصه و ابزار، عنصر نسب بوده

- نسب در نزد عرب، همان کارکرد ملیت در دنیای امروزی را دارد؛ نسب فرد را مصون نگاه میدارد، حقوقش را حفظ و از او دفاع میکند، پس شخص نیز تمام سعی خود را برای حفظ نسبش انجام میدهد. با عنایت به این که نژاد عرب در سنت شفاهی خود بحث نسب را به عنوان بخش مهمی از پیشینه تاریخیاش حفظ کرده بود،

•

نسب در نزد عرب، همان
کارکرد ملیت در دنیای امروزی
را دارد

- این مبحث هم فضا و هم داده‌های کافی در امر هویت سازی در اختیار هشام قرار میداد و او با آگاهی از این کارکردها به سراغ نگارش انساب رفت. ابن کلبی متون نسب‌نگاری خود را به قوم عرب در شبه جزیره اختصاص داد. این متون از همان ابتدا به خوانندگان نشان میداد که قوم عرب نژادی با جمعیت بسیار، دارای هویت و سرزمین مشترک است که برای شناخت این قوم وسیع باید شعوب و شاخه هایش را بازشناسی کرد، همچنان که پراکندگی جمعیتی آن را در شبه جزیره و سایر سرزمینهایی که بعدها زیر سیطره خلافت اسلامی قرار گرفت شناساند. برای نمونه وی به **پراکندگی قبیله بنی وهب بن حارث در مدینه، کوفه، یمن و شام** اشاره میکند.

- بازنمایی این موارد به نژادها و قومیت‌های دیگر خلافت اسلامی همچون ایرانی و رومی که در این زمان سعی در بازسازی هویت خویش داشتند نشان میداد قوم عرب نژادی با شاخه های وسیع و شناخته شده دارای مجد و بزرگی ویژه و در نتیجه دارای هویت مستقل بوده است.

مجد و بزرگی ویژه

هویت مستقل

بازنمایی

- ذکر نسب مادری افراد قبایل این شکوه را برجسته‌تر میکرد و در عین حال تفاخرات عرب دوره پیش از اسلام را در رقابتهای قبیله‌های ایشان انعکاس میداد. توجه به یک مسئله دیگر در این متون هدف کلبی برای هویتسازی از طریق نسب‌نگاری را بیشتر تأیید میکند. تا پیش از هشام، آثاری در نسب برای برخی از قبایل عرب پدید آمده بود که مختص به خود آن قبیله بود، مثلاً زبیر بن بکار کتابی با عنوان نسب قریش نگاشته است که قبیله قریش را مورد بررسی قرار داده است، اما هشام همه قبایل عربی را در انساب نگاشته‌های خود مد نظر قرارداد

همه قبایل عربی

(ب) سرزمین مشترک، عنصری هویت ساز

یکی از شاخصه‌های هویتی، هویت سرزمینی است که بر پیوند گروهی از مردم با مکان جغرافیایی خاص تأکید دارد. **در انساب نگاشته های ابن کلبی به طور صریح به سرزمین معینی به عنوان وطن اعراب اشاره نشده است**، اما با توجه به قرائن و نشانه ها به وضوح میتوان دید که وی قومیت عرب را در گستره ی جغرافیایی جزیره العرب مورد بررسی قرار داده است. این محدوده مطالعاتی اعتقاد کلبی را مبنی بر این که خاستگاه نژاد عرب نه از افریقای شرقی یا بابل و... بلکه از شبه جزیره عربی بوده است به تصویر میکشد.

- نویسنده در روایت و بازخوانی انساب عرب نشان میدهد که چگونه قبایل عرب ابتدا در جزیره العرب و سپس در سرزمینهای ایران و روم که در آینده ذیل سیطره جهان اسلام درآمدند پراکنده شدند. این امر را میتوان ناشی از واکنش هشام هم به چالشهای پیش روی قوم عرب در برابر قومیتهای دیگر خلافت اسلامی و هم به اختلافات فراوان قبایل عرب در زمانهی نویسنده دانست. **او تلاش کرد به قبایل پراکنده و رقیب عرب یادآوری کند که ریشه همه آنها نژاد و سرزمین مشترک است**

- هشام کلبی در جایجای کتاب خود از اماکن و منزلگاههای قبایل عرب یاد کرده است. به دیگر سخن، بادیه ها و صحراها و منازل عربها را که در اخبار و اشعار آنها آمده است در انساب نگاشته های خود میآورد. برای مثال از اماکنی چون وَادِی الْقُرَى، وَادِی السَّبَّاع، المَغِیْثِیَّة، بئرَ مَعُونَةَ و بَطْنِ الرَّاحَةِ و... نام می برد. از سوی دیگر، او پراکنده شدن قبایل را در شهرهای دوره ی اسلامی چون مکه، مدینه، بصره، کوفه، شام، بحرین و عمان و... نشان داد.

اماکن و منزلگاههای قبایل عرب

- شایان ذکر است اگر شخص و قبیله‌های به سرزمینهای دیگر مهاجرت کرده یا شغل و منصبی خارج از دایره‌ی جغرافیای عربستان کسب کرده بود، مؤلف آن را به عنوان شاهی بر پراکندگی قوم عرب بیان کرده است. یادکرد او از ابومالک اُسَید بن عَبدالله به عنوان والی خراسان او از مُدْرَک بن ضَب به عنوان والی ری ۲ شاهی بر این موضوع است. سخن از این سرزمین مشترک و تیره‌های قبایل عرب یادآور افتخارات و اشرافیت قبیله‌های عصر جاهلی بود.

- در حالی که در عصر پیش از اسلام تفاخر به نسب و شمارش آن به رویارویی عرب با عرب مربوط می شد، این کار در متن کلبی برای رویارویی و تفاخر بین عرب و غیرعرب به کار گرفته شد. مؤلف انساب تلاش کرد کثرت جمعیت قوم عرب را به همراه آگاهی قبایل بزرگ و کوچک این قوم از اجداد، نیاکان و شجره نامه هایشان را به خوانندگان اثبات کند. این کار افتخار و مجد و هویتی را به نژاد عرب اختصاص می داد که قومهای دیگر نظیر ایرانی و رومی - باوجود ادعای نژادی والاتر - از آن بی بهره بودند

رویارویی و تفاخر بین عرب و غیرعرب

ج- ظهور خاتم الانبیاء از میان عرب

- هشام کلبی در کتب خود یک تقسیم بندی و یک مرزبندی را مد نظر داشته است و آن هم دو دوره پیش از اسلام و پس از اسلام است و نکته شایان توجه این که دوره ی پیش از اسلام را دوره ی جاهلی نامیده که نشان از دیدگاه اسلامی و تأثیرپذیری او از قرآن کریم دارد. از نمونه جملاتی که این واژه در آنها به کار رفته است میتوان به این جملات اشاره کرد: «هانی بن أبی شمر مرد شرافتمندی در عصر جاهلیت بود»؛ حجر بن عدی در دوره ی جاهلی - اسلامی می زیست

دیدگاه اسلامی و تأثیرپذیری
او از قرآن کریم

یک تقسیم بندی و یک
مرزبندی

• از دیدگاه نگارنده این پژوهش، پیوستگی های مشترک اعتقادی یکی از عناصر هویت ساز در منظومه ی فکری هشام کلبی به شمار میآید. برای نمونه، او کتاب انساب خود را با نسب پیامبر (ص) آغاز می کند و اعراب را مسلمانان نخستین و همراهان پیامبر (ص) در موقعیتهای حساس معرفی میکند. ابن کلبی به مثابه اندیشمندی شریعتمدار به دنبال پیوند دادن هویت عربی با هویت اسلامی است. در حقیقت، باید تلاش او را در بازپردازی هویت عربی تلاشی دوسویه دانست

پیوستگی های مشترک
اعتقادی

بازپردازی هویت عربی

- . او از یک سو نگاه ویژه ای به مظاهر و افتخارات گذشته باستانی خویش داشته و از سوی دیگر به دین اسلام و ظهور پیامبر (ص) در میان قومش یعنی قوم عرب توجهی ژرف نشان داده است. به دیگر سخن، او ضمن حفظ مفاخر گذشته عربی، افتخار نسب عرب را با افتخار به دین اسلام درآمیخته است. در حقیقت ابن کلبی قصد دارد نقش رسول الله (ص) را در امر هویتسازی نژاد عرب برجسته کند و مبعوث شدن ایشان از میان قوم عرب را به دیگر قومیت‌های حاضر در سرزمین اسلامی یادآور شود

نگاه ویژه ای به مظاهر و
افتخارات گذشته باستانی خویش

- توجه به چگونگی کاربست واژگان، جملات و نحوه چیدمان آنها در گزارش های جمهره النسب و نسب معد و الیمن الکبیر، مؤلفه ی ظهور پیامبر (ص) از میان قوم عرب را منعکس میکند. بر اساس این شیوه، نخستین مؤلفه ای که در متون یاد شده آشکار میشود مفاهیم نبوت پیامبر (ص) در میان عرب است. ابن کلبی در جایجای نگاشته های یاد شده بر پایه این مفهوم دست به انتخاب واژگان، جملات و گزینش گزارشها و روایتها زده و با ادغام آنها قسمت عمده ای از متن را سازمان داده است

چگونگی کاربست واژگان، جملات و
نحوه چیدمان آنها

• چنان که در مبحث معرفی کتاب جمهره النسب اشاره شد، مؤلف متون، هوشمندانه و آگاهانه، نگارش خویش را با نسب قریش آغاز کرده و خیلی زود به سراغ نسب پیامبر (ص) رفته و به آن نقش محوری داده است. وی قصد دارد با این نوع ساماندهی از یک سو حضرت محمد (ص) را به عنوان فردی عرب تبار با نسب مشخص معرفی کند و از سوی دیگر سعی دارد به قومیتها و نژادهای مختلف نشان دهد که خداوند قوم عرب را قومی برگزیده دانسته که رسالت پیامآور خویش را در میان آنان قرار داد، پس این افتخار بزرگ نصیب نژاد عرب شده است.

•

- نویسنده از همان ابتدا تلاش می کند میان مؤلفه نبوت پیامبر (ص) و ریشه ی عربی ایشان ارتباط ایجاد کند و عرب بودن وی و نیز افتخار عرب را به این که پیامبر (ص) از میان آنان برخاسته است در تاریخ نسب عرب برجسته نماید. این بزرگنمایی از مقدار تکرار نام حضرت محمد (ص) و پیوند آن با مبعوث شدن از جانب الله نیز آشکار می شود.

مقدار تکرار نام حضرت محمد (ص)

- هنگامی که هشام کلبی میخواست تولد پیامبر (ص) را روایت کند، گزاره ی «سید ولد آدم محمد صلی الله علیه و آله» را به کار میبرد تا نقش پیامبر (ص) را به عنوان برترین فرزندان آدم برجسته سازد. **این تنها دفعه ای است که نام ایشان را محمد (ص) خطاب کرده و در جاهای دیگر از لقب «رسول الله» و «نبی الله» استفاده میکند تا بر الهی بودن نبوت ایشان تأکید کند.** زیرا در زمانه ابن کلبی، یعنی قرن نخست عباسی، علمای ادیان مختلف همچون مسیحیت، یهودیت، زرتشتی و صابئی، در مناظرات بین الادیانی، کتابها و رسالههایشان عقاید مسلمانان را به چالش می کشیدند

• این مناظرات بیشتر پیرامون انکار عقیده مسلمانان بر الهی بودن این دین، صدق ادعای نبوت حضرت محمد (ص) و آسمانی بودن کتاب قرآن انجام می شد. در این دوره، در میان ادیان مناظره کننده، بیش از همه، بازار دفاعیه نویسی مسیحیان علیه مسلمانان گرم بود، و علمای آنها آثار کلامی، ردیه ها و دفاعیه هایی را در مقابل مخالفت های رایج مسلمانان با تعالیم مسیحی ارائه میکردند. تعداد زیاد رساله های متکلمان مسلمان علیه دفاعیه پردازان مسیحی (در مقایسه با دیگر ادیان) در این قرن - که در الفهرست ابن ندیم باقی مانده است و اشارات جاحظ در رسالة الرد علی النصاری، انعکاسدهنده این حجم وسیع تلاش های مسیحیان در این زمینه است.

ردیه ها و دفاعیه ها

- ر چنین فضای فکری و مناظرات فرهنگی، هشام کلبی مانند بسیاری از متفکران مسلمان سعی کرد به اثبات حقانیت اسلام در برابر ادیان دیگر پردازد ضمن آن که در سراسر دو متن نَسَب به حضور تاریخی پیامبر (ص) در میان عرب توجه شده است، برجستگی نقش نبوت و رسالت ایشان در گزارشهای متعدد این متون به ویژه در سه موضوع اعجاز، جنگها و وفود هویداست

اثبات حقانیت اسلام در برابر
ادیان دیگر

• از جمله اخباری که مؤلف برای نشان دادن اعجاز پیامبر (ص) در میان عرب استفاده میکند میتوان از خبرهای تار تنیدن عنکبوت بر در غار در مسیر هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه، پیشگویی ایشان از حرکت وفد مردان عبد الْقَیس به مدینه و تفویض معجزه ی ساطع شدن نور از چشمان و عصا به طُفَیل بن ذی النُّون برای هدایت یک قبیله یاد کرد. ابن کلبی اخبار بسیاری در مورد حوادث و جنگهای دوره پیامبر (ص) به همراه افرادی که در آنها حضور داشتند آورده است. برای نمونه، در متن نسب معد و الیمن الکبیر، نام جنگ احد ۵۴ بار، جنگ بدر ۷۳ بار، جنگ خندق ۱۲ بار، خیبر ۷ بار، و جنگ تبوک ۷ بار به کار رفته است

•

- همچنین در جاهای مختلف انساب نوشته های این نویسندگان، نام وفودی از قبایل مختلف که به نزد پیامبر (ص) آمدند به همراه گفتگو و توصیه های پیامبر به آنها شرح داده شده است. این اخبار از یک سو غلبه و پیروزی اسلام را در طول حیات پیام آورش نشان میدهد، و از سوی دیگر تأکیدی بر پذیرش اسلام توسط عربها و نقش مهم تاریخی همراهی ایشان با رسول الله (ص) برای گسترش دعوت و پیام توحید است. عربهای شبه جزیره قبل از بعثت پیامبر (ص) زندگی قبیلهای و عشیره‌ای داشتند، در نتیجه تاریخ برجستهای چون تاریخ ایران باستان نداشتند تا چون شعوبه با نگارش و ترجمه این تاریخ بدان افتخار کنند.

- بنابراین، ابن کلبی برای رفع این کمبود، متأثر از بینش دینی خود، دین را به جای امپراطوریهای بزرگ همچون عاملی جبران کننده قرار داده است. به سخن دیگر، میان هویت عربی و هویت اسلامی پیوستگی و یگانگی به وجود آورده است. هشام کلبی نشان میدهد که در دوره اسلامی اصلی ترین مایه ی غرور قومی عرب بعثت پیامبر در میان ایشان بوده است. انساب نگاشته های او را میتوان یک ادعا نامه یا اعلام مؤکد از هویت عربی در امپراطوری چندملیتی در حال گسترشی دانست که پیامبر (ص) را فردی از تبار و نژاد عرب معرفی میکرد

پیوستگی و یگانگی

بازخوانی ورق‌هایی از گذشته‌ی تاریخی عرب

- هشام کلبی، در کنار کاربست عنصر نسب، از ابزار بازخوانی و بازنمایی بخش‌هایی از تاریخ عرب نیز در امر هویت‌سازی استفاده مینماید. این عنصر در ضمن توضیح و شرح نسب قبایل عرب در متون گنجانده شده است، اما همه تاریخ عرب را در بر ندارد و حتی ذیل توضیح نسب هر قبیله تاریخ حوادث گذشته‌ی آن را به شکل منسجم و در یک روایت پیوسته ارائه نمیدهد.

•

بازخوانی و بازنمایی

- این دلیلی است بر این که کلبی در این متون نه به عنوان یک مورخ، بلکه در مقام یک راوی و اخباری با عنصر «تاریخ گذشته نژاد عرب» به گفت و شنود نشسته است. او هدف خود را از تولید متون نسب‌نگاری خوانش نسب عرب دانسته و تلاشی برای بازنمایی تاریخ عرب در خلال شرح نسب‌های این قوم انجام نمیدهد؛

- امری که در آثار بعدی نسب‌نگاری چون المحبر ابن حبيب و انساب الاشراف بلاذری آشکارا دیده میشود. با وجود این، توجه به اخبار پراکنده و نامنسجم تاریخ عرب در این دو متن میتواند نشانه‌هایی برای فهم شیوه ابن کلبی در هویت‌سازی برای قوم خود به دست دهد. ادامه بحث این قسمت به دسته‌بندی و تحلیل موضوعاتی اختصاص مییابد که ابن کلبی گذشته و تاریخ عرب را با این هدف به تصویر کشیده است

•

• ۱. یادی از حکومت‌های باستانی عرب

هشام کلبی در بازخوانی نسب قوم عرب، از میان همهی تمدن‌ها و حکومت‌های باستانی عرب، همانند بسیاری از راویان و مورخان، تنها به عصر حکومت‌های تابعه (حمیریان)، حیره و غسان توجه کرده است که به تاریخ ظهور اسلام نزدیک‌ترند و آگاهی اخباریون عرب از آنها بیشتر بوده است. هشام در ضمن شرح نسب کامل این سه قوم، اشاراتی به شخصیت‌های برجسته این اقوام دارد که در میان آنها او بر اشخاصی تأکید میکند که به پادشاهی رسیدند و در این جایگاه دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بودند. از جمله پادشاهانی که متون انساب کلبی از آنها یاد کرده است نعمان و منذر در حیره، بنو جفنه بن عمر و مزیقیا در غسان، علقمه بن شراحیل، زید بن مرث بن معدی کرب، سداد بن زرعه بن سبأ، حسان تبّع و ذونواس در یمن هستند. ادر این بین، ویژگی‌ها و رخدادهای منحصر به فرد این پادشاهان نیز برجسته شده که برای نمونه میتوان به عمر طولانی حکومت برخی از این پادشاهان عرب همچون حارث بن عمرو (حک. ۶۰ سال^۲) و جذیمه بن أبرش (حک. ۱۱۸ سال^۳) و واقعه اصحاب اخدود در زمان

- ذونواس ۱۱ اشاره کرد. تلاش نویسنده در امر برجسته‌سازی، گاه سبب ورود او به حوزه افسانه‌پردازی میشود تا جایی که حتی از شمس یرعش بن یاسر و افریقش بن قیس بن سیفی، به عنوان پادشاهانی از تبابعه نام میبرد که به فتح سمرقند و افریقیه (سرزمینهای شمال افریقا) نائل شدند. ۱۲ این بزرگنمایی تقابل با کشورگشاییهای داریوش و اسکندر در مصر و ماوراءالنهر را به ذهن متبادر میکند. با وجود این، در اشارات تاریخی متون انساب، پادشاهان حیره بیشتر برجسته شده‌اند که دلایل آن، هم مربوط به میزان اطلاعات بیشتر نویسنده از این حکومت (به دلیل نزدیکی کوفه به حیره) و هم به تفاخرطلبی او در برابر ایرانیان مرتبط است، زیرا ایرانیان در کتابهای خود از حکومت حیره و آل لخم اطلاع بیشتری داشتند. در مجموع، برجسته‌سازی پادشاهان عرب پیش از اسلام را باید واکنش هشام کلبی در برابر شعوبیه دانست که به تاریخ باستان خویش افتخار میکردند و او به صورت عکسالعملی تلاش داشت جلوه‌هایی از شکوه و عظمت حکومت‌های باستانی عرب را در نگاه خوانندگان عرب و غیرعرب خود به اثبات برساند

پرداختن به اوائل

- در کتب پیشین از مفهوم اوائل نگاری دو معنای ضمنی استخراج میشود. در برخی از این کتب مراد از «**الاوائل**» شرح تاریخ پیشینیان همچون انبیا و قومهای ازمیانرفته چون عاد و ثمود است، که برخی از کتب کلبی مانند کتاب حدیث آدم و ولده، کتاب عاد الاولی و الآخره، کتاب اصحاب الکهف و... ذیل این گونه قرار میگیرد. گونه ی دیگر الاوائل آوردن نام کسانی است که برای اولین بار دست به کاری زده اند، و با کنار هم گذاشتن آنها میتوان دائرةالمعارفی از «**نخستین ها**» به دست داد. از گونه دوم، کهنترین کتاب با عنوان «الاوائل» نوشته هشام کلبی است.

اوائل نگاری

- این گونه به فراوانی در انساب نگاشته های ابن کلبی دیده میشود. در این قسمت به دنبال آنیم که انگیزه و هدف این نویسنده از پرداختن به «اولین ها» را در این متون نسب بیابیم.
- نمونه های نخستین عمل در این متون بسیار فراوان دیده میشود که میتوان آنها را در سه موضوع کلی تقسیمبندی کرد:



۱. نخستین استفاده کنندگان از ابزار و رواج دهندگان فنون؛
۲. نخستین شکنندگان هنجارهای جامعه؛
۳. نخستین افراد در مسائل مربوط به جنگ

- به زعم نگارنده بررسی مصادیق و نمونه های اوائل، ایدئولوژی ابن کلبی را منعکس می کند. او با ذکر نام کسانی که در میان مردم عرب برای نخستین بار دست به کاری زده اند، قصد داشته فضل تقدم استفاده از برخی فنون و صنایع و نیز فضایل ایشار و شهادت در اسلام را به اعراب نسبت دهد و گذشته ی تاریخی عرب را برجسته کند.

- از آنجا که کلبی از روایتها و اخبار اسطوره ای ایران زمین اطلاع کافی داشته است، شیوه اوایل این اسطوره ها را، با هدف برجسته سازی نژاد عرب و حاشیه رانی قومیت های دیگر، گرده برداری کرده و آن را برای قوم عرب به کار برده است. هدف پنهان دیگر از اوایل نگاری در میان نسب عرب با رقابتها و تعصبات قبیله ای مؤلف پیوند تنگاتنگ دارد

اطلاع کافی

از روایتها و اخبار اسطوره ای ایران زمین

۳- پرداختن به معمرین

- این اصطلاح در مورد افرادی به کار رفته که عمرهایی طولانی داشته و روزگاری دراز زیسته اند و غالب کتابهای تاریخ، سیره و انساب بسیاری از این افراد را معرفی کرده اند. از جمله این نویسندگان میتوان به ابومخنف، ابن کلبی، هیثم بن عدی، بلاذری، طبری، و ابن قتیبه اشاره کرد. کلبی نام این معمرین را در انساب نگاشته های خود آورده است، که به نظر میرسد این مطالب برگرفته از کتاب معمرین وی باشد.

- ذکر نام معمرین قبایل در ذیل مباحث مربوط به انساب نشان از اهمیت بالای جایگاه نژاد عرب در نظام اندیشگانی مؤلف دارد که سبب شده درازا و طول مدت زندگانی مردم این نژاد نیز مورد توجه این نویسنده قرار بگیرد. برای نمونه، وی آورده است که «ابوعبیس شاعر جاهلی، کسی که عمرش طولانی بود یا امری القیس بن حجر از معمرین بود

۴- پرداختن به القاب

- یکی دیگر از خصوصیات که به کرات در انساب نگاشته های هشام کلبی می بینیم توجه به لقبهای افراد است. سخن از لقب هایی که اعراب در ساختار قبیل‌های جزیره العرب یکدیگر را بدان متصف میکردند، همانند مبحث اوائل، یکی از نشانه های اهمیت قوم عرب در نگاه کلبی است و همان کارکرد را در امر برجسته سازی هویت عرب در متون این مؤلف ایفا میکند. برای نمونه میتوان به این مورد اشاره کرد: وهب بن حارث همان قرد است که در زبان اهل یمن به معنای بخشنده است و او به خاطر بخشندگیاش به قرد معروف گشت.

توجه به لقبهای افراد

ضرب المثلها

- ضرب المثلها زیرمجموعه فرهنگ مردم است که آن نیز یکی از عناصر مهم هویت ساز است. ضربالمثلها به دلیل اهمیتی که در فرهنگ سازی، انعکاس فرهنگ مردم و هویت فردی و اجتماعی آنان دارند، مقولهای مهم در مطالعات مربوط به هویت محسوب میشوند. از این رو به کارگیری ضربالمثل تلاش دیگری از سوی مؤلف برای بازنمایی هویت عربی است. **مؤلف ضمن بیان مثلها ریشه ی آنها را نیز بیان میکند.**

- در مجموع ابن کلبی در کتاب نسب معد و الیمن الکبیر ریشه ی ۳۲ مثل را بیان میکند و در کتاب جمهرۃ النسب مثل را بیان کرده است. برای نمونه ابن کلبی ریشه ی یک مَثَل را این گونه گفته است: یکی از خوارج که مأمور کشتن عمروعاص بود به اشتباه خَارجَه بن خُذاقه قاضی عمروعاص را کشت و عمروعاص گفت «**اردت عمراً و اراد الله خارجاً**» یعنی تو قصد عمروعاص کردی ولی خداوند قصد خارجه را کرد»

ریشه ی ۳۲ مثل

روابط اجتماعی، حلف‌ها و پیمان‌های قبایل

- یکی از مواردی که بازنمایی وقایع تاریخی عرب در خلال مبحث انساب در آن صورت گرفته، روایات مربوط به روابط قبایل با یکدیگر و احلاف و پیمان‌های بین آنهاست. زندگی در بادیه برخی قبایل عرب در پیش از اسلام را مجبور به بستن عقد و پیمان‌هایی میکرد تا آنان را از خطرهای بادیه و دشمنی قبایل دیگر مصون بدارد. اتحاد و صفتبندی‌های میان قبایل رقیب منجر به تأکید آنان به تفاخرات نسبی خویش و رذایل و مثالب قبیله غیر می شد. این نوع روابط در دوره اسلامی نیز به اشکال گوناگون به حیات خود ادامه داد.

•
بازنمایی وقایع تاریخی عرب

- متأثر از این فضا، کلبی در متون انساب خود، بسیاری از فخرفروشیهای این قبایل و خاندانهای عرب را بیان میکند که منجر به چالش و جنگ در میان آنها شده است. با وجود این که این اخبار و روایات به خوبی در امر هویت سازی تاریخی از قوم عرب به کلبی یاری می رساند، باید به یاد داشت که بسیاری از آنها از عنصر زمان تهی هستند. نمونه های این نوع روابط بینا قبیله ای در دو متن انساب به وفور قابل مشاهده است که برای نمونه میتوان به «ربیعہ بن شَکَل» کسی که بین بنی عامر و بنی عبس پیمان بست اشاره کرد .

•

چالش و جنگ

گذرهای به زندگی اجتماعی و اقتصادی قوم عرب

- کلبی در طرح هویت سازی خود تلاش کرد از همه ابزار و موادی که گذشته ی قوم عرب میتوانست در اختیار او قرار دهد استفاده کند. یکی از این مواد، زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه عربی شبه جزیره بود.

•

هویت سازی

- اشارات هرچند مختصر کلبی به این موارد میتوانست در برابر اقوام دیگری که تاریخ مشخص و ثبت شده ای داشتند، این را اثبات کند که عربها از پیش از ظهور اسلام دارای آداب و رسوم خاص و اقتصاد ویژه ی خود بوده اند و مهمتر این که آن را در حافظه ی تاریخی خود حفظ کرده بودند. روایات او در مورد مناصب، مشاغل و سهم قبایل مختلف از بیت المال از جمله مسائل اقتصادی هستند که نویسندگان آن را به عنوان بخشی از زندگی اقتصادی قوم عرب برجسته ساخته است.

آداب و رسوم خاص و اقتصاد
ویژه ی خود



- همچنین او از فعالیتهای اقتصادی برخی از قبایل نام میبرد مانند بنومالک که به اصحاب نخل معروف هستند در یماجه، هر سال دو بار خرماچینی میکردند و پیامبر برای آنان دعا کرد.

- در کنار این موارد، او از ثروتها و برخی معاملات زندگی عرب شبه جزیره نیز سخن رانده است که برای نمونه میتوان به سهم افرادی چون حارث بن هانی، ایاس بن شراحیل، قیس بن مسلم از عطایای بیت المال یاد کرد. از جمله مشاغل و مسئولیتهایی که کلبی در قسمتهای مختلف متونش از آنها سخن رانده که به نوعی بازنمایی زندگی اجتماعی گذشته قوم عرب و در راستای بازسازی هویت عرب است، عبارت اند از حکمرانی و ولایت، قضاوت، خطیب، فقاہت، تفسیر، محدث

بازنمایی زندگی اجتماعی
گذشته قوم عرب

نام شاعران، نسابه ها و قهرمانان عرب

- یکی از راهکارهای دیگری که مؤلف کوشیده به کمک آن به هدف تولید متن یعنی بازآفرینی غرور قومی عرب بپردازد، ذکر نام شاعران، نسابه ها، قهرمانان، تیراندازان و سوارکاران در میان شرح انساب قوم عرب است. احتمالاً کلبی قصد داشته در برابر اقوام دیگری همچون ایرانیان که خاطره قهرمانان و بزرگان قوم خود را حفظ کرده و به آن افتخار میکردند، ثابت کند قوم عرب در این زمینه نیز بی نصیب نبوده و نمونه های فراوانی را در خاطره شفاهی خود حفظ نموده است. نویسندگان در میان قهرمانان و شخصیت‌های برجسته به نام شاعران، نسابه ها و جنگجویان عرب توجه بیشتری مبذول داشته، زیرا توانایی نژاد عرب در این زمینه ها بیشتر بوده است

بازآفرینی غرور قومی عرب

- در دو متن نسب ابن کلبی، از میان اسامی فراوان شاعران نژاد عرب میتوان به نامهای طِرْمَاح بن حکیم، از میان نسابه ها به دَغْفَل بن حَنْظَلَه از بین تیراندازان مشهور به عامر بن خضر، و از جمله سوارکاران به عامر بن مالک، و از میان قویترین و شجاعتترین عربها به عمر بن حارث اشاره کرد. نکته قابل توجه دیگر در این مبحث این است که کلبی در توضیح و اشاره به هر قهرمان حتی در دوره جاهلی، با ذکر شعری، او را برجسته می کند.

عمر بن حارث

برجسته سازی پیروزی های عرب بر اقوام دیگر

- آنچه به کرات و بارها در متون انساب کلبی دیده میشود بیان اسامی اشخاصی است که در جنگهای عصر فتوحات شرکت داشته اند و به نظر میرسد به قصد برجسته ساختن پیروزی مسلمانان بر دیگر قومیتها روایت شده باشد. در این میان، نبرد قادسیه در جریان فتح عراق و ایران در آثار وی بازتاب شدیدی داشته و جنگی است که هشام بیش از هر جنگ دیگری از آن نام برده است.

نبرد قادسیه در جریان فتح عراق و ایران در
آثار وی بازتاب شدیدی داشته

- دلیل برجسته‌سازی جنگ قادسیه را باید از دو زاویه نگریست. دلیل اول را باید در واکنش و مقابله کلبی به عنوان نماینده عربگرایی در برابر شعوبی گری دانست که تلاش دارد با یادآوری پیروزی عربها بر ایرانیان، حس تفاخر و غرور را در مخاطبان عرب خود برانگیزد. از منظری دیگر، این بزرگنمایی با مبحث تفاخرات قبیله‌ای مرتبط است که احتمالاً شرکتکنندگان این جنگ از وابستگان خاندان کلبی و همپیمانان قبیله‌ی آنان بوده‌اند

نماینده عربگرایی در برابر شعوبی گری

نتیجه گیری

معرفی و تحلیل انساب نوشته های ابن کلبی نشان داد که عرب و قومیت عرب موضوع و مسئله ی مؤلف است. کوتاه سخن این که هشام کلبی علاقه مند به هویت عربی بوده است. بنابراین با نگارش انساب و اشاره به عناصری چون گذشته مشترک تاریخی، پیوندهای مشترک اعتقادی، برگزیده شدن پیامبری از دل قوم عرب، و همچنین سرزمین مشترک، تلاش کرده به تقویت و تداوم هویت عربی بپردازد.

ابن کلبی

- همچنین ابن کلبی در قالب انساب با یادآوری حکومت‌های باستانی عرب، پرداختن به اوائل، معمرین، القاب، ضربالمثلها، روابط اجتماعی، حلفها و پیمانهای قبایل، زندگی اجتماعی و اقتصادی، نام شاعران، نسابه ها و قهرمانان قوم عرب و برجسته سازی پیروزیهای عرب بر اقوام دیگر دست به هویتسازی برای قوم عرب میزند. تلاش هشام کلبی برای هویت سازی، به شدت متأثر از بافت فکری فرهنگی معاصر نویسنده است. ابن کلبی متون انساب نگاشته خود را همزمان با دوره تأسیس و تثبیت خلافت عباسی به نگارش درآورد. در این زمان، یکی از مسائل مهمی که عباسیان و مسلمانان با آن رو به رو بودند،

هویت سازی

- مسئله کشاکش فرهنگی عرب و عجم و فعالیتهای وسیع شعوبیه در سرتاسر سرزمین اسلامی بود که هویت عرب را به چالش میکشید. در پاسخ به این مسئله، ابن کلبی از جمله اندیشمندانی بود که از طریق نگارش انساب، دست به هویتسازی برای این قوم زد. غلبه بینش دینی و اسلامی او سبب شد این هویتسازی رنگ عربیاسلامی داشته باشد زیرا به ظهور پیامبر (ص) در میان قوم عرب و پیروزیهای مسلمانان بر دیگر ملل نیز توجه کرده است

فعالیتهای وسیع شعوبیه